مقوله‌بندی مفهوم «تحول» در سیره فرهنگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در قالب نظریه زمینه‌ای

فاطمه مهدوی[1]

چکیده

تحول در راستای سعادت، از نیازهای اساسی جوامع بشری است که با طراحی خط مشی مناسب محقق می‌شود. جوامع مسلمان نیز به این تحول نیاز دارند و می‌توانند با الهام از سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به این هدف دست یابند. این نوشتار به بررسی مفهوم تحول در سیره فرهنگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پرداخته است و تلاش دارد تا ابعاد و مصادیق آن را تبیین کند. براین‌اساس، با استفاده از روش‌شناسی تحقیقات کیفی و نظریه زمینه‌ای، مفاهیم مرتبط با سیره فرهنگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله استخراج و روابط آنها تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم تحول در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، در دو حیطه خانواده و جامعه عصر نبوی قابل مشاهده است. این تحول به‌عنوان یک تغییر مثبت تفسیر می‌شود که برخی مقولات آن به شکل تأیید و برخی به شکل اصلاح، پذیرفته شده‌اند. همچنین گونه‌های مختلف مفهوم تحول شامل تبدیل، تکامل و اضمحلال نیز شناسایی شده‌اند.

واژگان کلیدی: تحول فرهنگی، سیره نبوی، خانواده، جامعه، نظریه زمینه‌ای.

۱. دانش‌پژوه سطح چهار سیره پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله، جامعة الزهراء علیهاالسلام، قم، ایران؛ fatemehmahdavi1979@gmail.com

مقدمه

سرزمین حجاز در آستانه ظهور دین اسلام، فرهنگی را تجربه می‌کرد که در آن، انحرافات و آداب و رسوم نادرست، به دور از عقلانیت، اخلاق و انسانیت رواج داشت. با آمدن دین اسلام، تحولی در این فرهنگ به وجود آمد و آداب و رسوم نادرست آنها تحت تأثیر فرهنگ غنی اسلام دگرگون شد. در جامعه‌ای که تبعیض نژادی و ثروت و قدرت به‌عنوان معیارهای برتری به شمار می‌رفتند، پس از ظهور اسلام، تقوا ملاک برتری افراد گردید. همچنین باتوجه‌به سفارش‌های اسلام و سیره نبوی، دختران و زنان به مقام والایی دست یافتند. در این میان، هرچند جامعه عرب جاهلی با مطلوب نهایی اسلام فاصله داشت، ولی تحولی ازنظر فرهنگی در میان مردم حجاز شکل گرفت. حال باید دید که چه عاملی باعث شد مردم عرب آن زمان چنین متحول شوند؟ هسته این تحول چه بود؟ درک این هسته می‌تواند به تمامی مسلمانان و حتی بشریت کمک کند تا از جاهلیت زمان خود رهایی یابند و شیرینی معارف عمیق اسلام، به‌عنوان کامل‌ترین دین را به‌خوبی درک کنند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که مفهوم تحولی که در عصر نبوی رخ داد، چه مقولاتی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد؟ در بررسی مقوله‌های مفهوم تحول، ممکن است به این نتیجه برسیم که برخی از این مقولات، درواقع تحول نیستند و به امور دیگری مربوط می‌شوند. گستره مفهومی تحول به چه میزان است؟ آیا می‌توانیم این دگرگونی‌های فرهنگی عصر رسول‌الله ﷺ را تحت عنوان تحول نام‌گذاری کنیم؟

مقوله‌بندی مفهومی در سیره نبوی، به فهم دقیق‌تر سیره فرهنگی پیامبر ﷺ کمک می‌کند. مفاهیم متعددی می‌توانند در این مقوله‌بندی مورد بحث قرار گیرند، اما در این پژوهش، هدف ما مقوله‌بندی مفهوم اساسی «تحول» در سیره فرهنگی پیامبر ﷺ است.

در حیطه تحول فرهنگی، مطالعات و تحقیقاتی انجام شده است که در قالب کتاب‌ها و مقالات به چاپ رسیده‌اند: کتاب درآمدی بر اصول تحول فرهنگی؛ با الهام از نزول تدریجی قرآن، اثر عبدالکریم بهجت‌پور (۱۳۸۸) اصول تحول فرهنگی باتوجه‌به نزول تدریجی قرآن را مد نظر داشته است. مقاله «مبانی و سازوکارهای دگرگونی فرهنگی در عصر نبوی»، نگاشته فاطمه جان‌احمدی (۱۳۸۵)، به بررسی چگونگی تغییر و دگرگونی از جامعه جاهلی به جامعه

اسلامی پرداخته است. مقاله «واکاوی و فهم اصول اسلامی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مبتنی بر سیره حکومتی پیامبرﷺ» به قلم میثم آقداغی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی اصول و مبانی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در سیره حکومتی پیامبر اکرمﷺ توجه داشته است. این مقاله، به تحلیل روش‌ها و استراتژی‌های فرهنگی پیامبرﷺ در ایجاد و ترویج ارزش‌های اسلامی در جامعه می‌پردازد و سعی دارد اصول اسلامی را که می‌تواند به‌عنوان راهنمایی برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در عصر حاضر مورد استفاده قرار گیرد، شفاف‌سازی کند. مقاله «پیامبر اسلامﷺ و تغییر ساختار فرهنگی جامعه جاهلی» نوشته محمود حاجی‌احمدی (۱۳۸۵)، به بررسی شیوه تحول جامعه جاهلی به جامعه توحیدی تحت هدایت پیامبر اکرمﷺ می‌پردازد. این مقاله، شرایط ظهور اسلام و ابعاد مختلف جامعه جاهلی را بیان کرده و به تحلیل تغییرات فرهنگی ایجادشده توسط پیامبرﷺ توجه کرده است.

تفاوت نوشتار حاضر با دیگر آثار، نگاه به مقوله تحول در قالب نظریه زمینه‌ای است. روش تحقیقی که در این پژوهش به کار گرفته می‌شود، کیفی است و بر اساس نظریه زمینه‌ای، که همان نظریه داده‌محور است، داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند. نظریه زمینه‌ای این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که به طور مستقیم از داده‌هایی که به دست آورده است، به تحلیل برسد. در این روش، ابتدا داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند، سپس تحلیل صورت می‌گیرد و در پایان، به نظریه نهایی دست می‌یابیم. ذکر این نکته دارای ضرورت است که این مراحل با هم در ارتباط تنگاتنگ هستند. محقق در این روش، پژوهش خود را با نظریه‌ای که پیش‌تر در ذهن داشته است آغاز نمی‌نماید؛ بلکه کار تحقیقی خود را در یک فضای واقعی شروع می‌کند و این فرصت را می‌دهد تا نظریه، از درون داده‌های جمع‌آوری‌شده به‌تدریج نمایان شود (ر.ک: استراوس و دیگران، ۱۳۹۰، ص۳۷).

در این پژوهش، برای آغاز سیر تحقیق، ابتدا به گردآوری داده‌های موجود در سیره نبوی می‌پردازیم. البته ممکن است برای دستیابی به نقطه مطلوب، به طور محدود از آیات نیز استفاده کنیم، اما تمرکز اصلی پژوهش، بر سیره پیامبر اعظمﷺ خواهد بود. در مرحله بعد، پس از تحلیل داده‌ها، به مقولاتی می‌رسیم که با یکدیگر هم‌معنا هستند و قابلیت تجمیع در موضوعات مختلف را دارند. به‌این‌ترتیب، این مقولات را در یک راستا قرار می‌دهیم و

به تحلیل آنها می‌پردازیم که درواقع، مرحله کدگذاری محوری نام دارد. در تحقیق کیفی، از چهارچوب مفهومی برای پاسخ به پرسش‌ها یا پرسش‌های تحقیق استفاده می‌شود. براین‌اساس، به مفاهیمی اشاره می‌شود که با موضوع تحقیق ارتباط دارند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱ـ۱. تحول

چالمرز جانسن[1] تحول را به‌عنوان تغییرات ارزشی و محیطی تعریف می‌کند و معتقد است که تحول زمانی اتفاق می‌افتد که ارزش‌ها و شرایط محیطی یک جامعه با هم ناسازگار باشند (جانسون، ۱۳۶۳، ص۷۳). هگل[2] وجود تناقض در یک موجود یا جامعه را عامل حرکت و تحول می‌داند. هگل نظریات هراکلیتوس[3] را که بر تغییر دائمی و عدم ثبات تأکید دارد، در دیالکتیک خود به کار گرفته است. هراکلیتوس معتقد است که در این جهان، هیچ چیز ثابت نیست و همه چیز در حال تغییر است (ر.ک: توماس، ۱۳۹۰، ص۴۲۹). بااین‌حال می‌توان از نظریه هگل در مورد تناقض و حرکت بهره برد، اما نمی‌توان مفهوم خاص تحول موردنظر این تحقیق را از آن استخراج کرد؛ زیرا این پژوهش به بررسی هر نوع حرکت و تحولی نمی‌پردازد.

در میان اندیشمندان مسلمان، علامه محمدتقی جعفری دو نوع تحول را معرفی می‌کند: تحول درون‌ذاتی و تحول برون‌ذاتی. تحول درون‌ذاتی به حالتی اشاره دارد که فرد از درون خود، احساس نیاز به حرکت و پیشرفت می‌کند، حتی اگر در بالاترین سطح آرمانی باشد. تحول برون‌ذاتی به واقعیت‌هایی اشاره دارد که خارج از ذات انسان قرار دارند و با نمودهای مختلف در جهان هستی قابل مشاهده یا اثبات هستند (ر.ک: جعفری، ۱۳۶۰، ص۹ـ۱۰).

دیگر اندیشمند مسلمان، مقام معظم رهبری، تحول را به معنای دگرگونی و زیرورو شدن می‌دانند. این دگرگونی، شامل تغییر نقاط معیوب و تکیه بر نقاط قوت است (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۴۰۲/۱/۱). از دیدگاه مقام معظم رهبری، تحول، گرایشی به سمت بهتر شدن است که می‌تواند به‌صورت دفعی یا تدریجی رخ دهد (سخنرانی تلویزیونی به مناسبت

1. Chalmers Ashby Johnson
2. Hegel
3. Heraclitus

سی و یکمین سالگرد ارتحال امام خمینی ﷺ، ۱۳۹۹/۳/۱۴). مقام معظم رهبری معتقدند که تحول ابتدا در ذهن و درون انسان رخ می‌دهد و سپس به واقعیت جهانی منتقل می‌شود؛ زیرا تحول انسان، اساس همه تحولات عالم است. ایشان همچنین تحول را نقطه بالایی تحرک به سمت جلو و پیشرفت می‌دانند (بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی-فرهنگی علویّون، ۱۳۸۰/۸/۲۱ و بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان، ۱۴۰۲/۱/۲۹).

باتوجه‌به اینکه موضوع پژوهش در بازه زمانی حیات پیامبر اعظم ﷺ و ظهور اسلام است، نظرات اندیشمندان مسلمان درباره مفهوم تحول، دقیق‌تر و برای موضوع تحقیق موردنظر، قابل فهم‌تر است.

مفهوم تحول در میان اندیشمندان غربی، دارای معنای عام‌تری است و شامل هر تغییر و حرکتی می‌شود که برای این پژوهش مناسب نیست. در اسلام، اصول تحول‌گرا ذاتی هستند و موجب تحول می‌شوند. تحول فرهنگی، دارای چهار عنصر است:

الف) اصل بینشی: نگرش توحیدی را به دنبال دارد.

ب) سلوک فردی (جهاد نفس): محتوای فرهنگی اسلام، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که بر تحول شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد.

ج) راهکارهای کلان: به تدوین استراتژی‌های کلان برای تحول فرهنگی اشاره دارد.

د) عبرت‌های تاریخی: در فرهنگ قرآن، با بیان جریان‌ها و رویدادهای تاریخی در مبارزات انبیای الهی، قواعد و عبرت‌هایی ارائه می‌شود که تأثیر زیادی بر تحول‌خواهی دارد. این عبرت‌ها شامل تجربه‌های ناکامی و پیروزی ناشی از عواملی مانند تک‌روی، تفرقه، انحراف، افراط و تفریط، نفوذ دیگران، توقف، سستی، شتاب برای رسیدن به اهداف، ضعف‌های اعتقادی یا اخلاقی، جمود و تعصب به شیوه‌های خاص، تجدیدنظرطلبی، خستگی و انفعال است که می‌تواند تحول در جامعه را متوقف کند (ر.ک: ذوعلم، ۱۳۸۹، ص۱۱۲).

۱ـ۲. سیره فرهنگی

سیره به معنای حالتی پایدار برای انسان یا غیرانسان است که به‌عنوان روش، رفتار و طریقت نیز شناخته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج۲، ص۲۷۶ و ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۴، ص۳۹۰). این مفهوم

به دوام و استمرار در شیوه‌ها و روش‌ها اشاره دارد، نه صرفاً تکرار عمل (مطهری، ۱۳۸۰، ص۴۷ و زرین‌کوب، ۱۳۸۷، ص۸۶ـ۹۰). تعاریف فرهنگ نیز متفاوت و تحت تأثیر جهان‌بینی جوامع است. در همین راستا، نوع تعریف انسان و ارتباطات چهارگانه او (با خویشتن، با خدا، با همنوعان، و با هستی پیرامون) در هر جامعه، در تعریف آن از فرهنگ مؤثر است. ادوارد بارنت تایلور[1] فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، عادات و هرچه که فرد به‌عنوان عضوی از جامعه خویش فرا می‌گیرد، تعریف می‌کند (ر.ک: آقداغی و همکاران، ۱۳۹۷، ص۱۱۸).

بنابراین، سیره فرهنگی در این پژوهش به‌عنوان شیوه پیامبرﷺ در ترویج اندیشه‌های اسلامی و آداب و سنن تأثیرگذار تعریف می‌شود که می‌تواند به تغییرات بنیادین در باورها و رفتارهای فردی و اجتماعی منجر گردد و هویتی جدید برای جامعه ایجاد نماید.

۲. کدگذاری

کدگذاری، در سه مرحله باز، محوری و گزینشی انجام می‌گیرد و به دنبال یافتن گزاره‌ها و مفاهیم مرتبط با موضوع است تا درنهایت، به شناسایی مقوله یا مقولات اصلی در مفهوم تحول در سیره نبوی برسد. در مرحله کدگذاری باز، تنها به دنبال مقولات و مفاهیمی می‌رویم که تصور می‌کنیم با موضوع ارتباط دارند. به‌عنوان‌مثال، در گام اول، به سراغ سیره پیامبرﷺ می‌رویم و گزاره‌های تاریخی را که در آن تحول رخ داده است، جمع‌آوری می‌کنیم. البته تمام این گزاره‌ها به‌صورت مستند جمع‌آوری می‌شوند.

در مرحله بعد، یعنی کدگذاری محوری، مفاهیم یا گزاره‌های تاریخی مشترک را تلفیق، و حد مشترک آنها را در کدگذاری محوری وارد می‌کنیم. در این مرحله، به مقوله‌بندی دست می‌یابیم. سپس در مرحله کدگذاری گزینشی، از میان مقولات کدگذاری محوری، به این نتیجه می‌رسیم که یک یا چند مقوله اصلی، مفهوم تحول هستند و سایر مقولات، حول آنها می‌چرخند.

1. . Edward Burnett Tylor

۲ـ۱. کدگذاری باز

در این مرحله، مفاهیم و مقولات اولیه مرتبط با عنوان را به همراه ذکر منبع آنها در جدولی قرار می‌دهیم. در جدول ذیل، در ستون عبارت، به متن، مفاد تلویحی، تفسیر آیه یا نقل تاریخی اشاره شده است که در راستای کد (مفهوم) مقابل آن قرار دارد. در ستون کدها، آن دسته مفاهیمی فهرست شده‌اند که در فرایند تحول، تأثیرگذارند.

ردیف	عبارت	منبع	توضیحات	کدها (مفاهیم)
۱	گستردگی و جایگاه شرب خمر در میان عرب جاهلی	حموی، ۱۳۸۱، ج۲، ص۸۴۳؛ جواد علی، ۱۳۹۱، ج۹، ص۱۱۷ و یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ص۱۶۲.	علاقه عرب جاهلی به شراب به‌قدری زیاد بود که برخی از آنان به‌خاطر نهی اسلام از آن، از مسلمان شدن خودداری می‌کردند و حتی پس از ورود اسلام نیز به نوشیدن شراب ادامه می‌دادند. در این راستا، خداوند در چهار مرحله، خمر را بر مسلمانان حرام کرد که آیات قرآن گواه این امر هستند: مرحله اول: نحل:۶۷؛ مرحله دوم: بقره:۲۱۹؛ مرحله سوم: نساء:۴۳ و مرحله چهارم: مائده:۹۰.	حرمت تدریجی شرب خمر
۲	پایین بودن ارزش زن در عرب جاهلی	کلینی، ۱۳۶۷، ج۶، ص۴۰۶؛ جواد علی، ۱۳۹۱، ج۴، ص۶۱۹ به بعد و آلوسی، بی‌تا، ج۱، ص۳۲۴ و ج۳، ص۵۱.	زن در عصر جاهلی عرب، تقریباً در هیچ‌یک از حوزه‌های فردی یا اجتماعی جایگاهی نداشت و همچون کالایی بین مردان قبیله، خریدوفروش می‌شد. همچنین برخی دختران زنده‌به‌گور می‌شدند.	زن، عنصری والا و ارزشمند در اسلام و عدم انفعال.
۳	انحراف در مناسک عبادی حج	کلبی، ۲۰۰۰، ص۹؛ جواد علی، ۱۳۹۱، ج۶، ص۳۴۷ به بعد و ص۳۵۷.	حج سکوت، حج مکان‌های مقدس عرب جاهلی، حج بت‌ها، حج عریان، متصل بودن در حج با طناب به یکدیگر و...	حج یک عمل عبادی جهانی

۴	ماه‌های حرام	بقره:۱۹۴ و ۲۱۷؛ مائده:۲ و ۹۷ و توبه:۵.	قتال در ماه‌های حرام در زمان جاهلیت قبل از اسلام جایز نبود و قرآن این قانون را قبول و تأیید کرد.	تکمیل و تأیید قانون‌های خوب
۵	عدم ارتباط پدیده‌های طبیعی با مرگ و زندگی افراد	برقی، بی‌تا، ج۲، ص۳۱۳ و یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج۴، ص۴۵۹.	همزمان با مرگ ابراهیم، پسر پیامبرﷺ، خورشیدگرفتگی رخ داد که مسلمانان این امر را مرتبط با مرگ او دانستند که پیامبرﷺ آنها را نهی کردند.	اصلاح نگرش مردم نسبت به مرگ و پدیده‌های طبیعی
۶	آداب و رسومی که مغایر با عقلانیت بود	صدوق، ۱۴۱۹، ج۲، ص۲۸۶_۲۹۲ و نوری، ۱۳۵۴، ص۵۰۳.	برای بارش باران، ترس از مریضی، خیانت زنان، حبس شتر کنار قبر میت و...	تبدیل و تغییر خرافات به مباحث عقلانیت: تغییر اختیاری
۷	قتل و کشتار در حرم الهی	جواد علی، ۱۳۹۱، ج۴، ص۴۳۱.	از اموری که سنت حسنه عرب قبل از اسلام به شمار می‌رفت، حرمت جنگ و قتال در بیت‌الله الحرام بود.	تأیید و تکمیل حرمت قتال در حرم امن الهی
۸	ازدواج	طبری، ۱۴۱۲، ج۴، ص۲۱۷ و جواد علی، ۱۳۹۱، ج۵، ص۵۳۴.	در زمان جاهلیت، ازدواج در شمار اموری قرار داشت که بسیار دستخوش انحرافات بود و انواع ازدواج‌ها وجود داشت. برخی از این رسم‌ها، بعد از اسلام منسوخ گردید و برخی تغییر کرد و یا اصلاح شد.	اصلاح، تغییر و تأیید مهم‌ترین پیمان در خانواده
۹	پیامبرﷺ نماز را که در تمام ادیان الهی بود، اصلاح کردند و به رکعات آن اضافه نمودند.	کلینی، ۱۴۰۷، ج۳، ص۴۸۷.	نماز، عبادتی است که تمام ادیان الهی به آن پایبند بودند و برخی افراد موحد و حنیف در قبل از اسلام نیز آن را به‌جا می‌آوردند.	نماز، عبادتی الهی

باتوجه‌به جدول کدگذاری باز و کدهایی که از آن دریافت کردیم، مفهوم تحول در سیره پیامبرﷺ در چند حیطه، قابل‌بررسی است:

الف) جامعه: شامل خانواده و عناصر متشکل آن و گاه تشکل‌هایی غیر از خانواده که نقش اساسی در شکل‌گیری و تحول جامعه اسلامی ایفا کرده‌اند.

ب) دین: تغییرات و تحولات در اصول و مبانی دینی که پیامبرﷺ توجه ویژه‌ای به آنها داشته است.

ج) آداب و رسوم: تغییرات فرهنگی و اجتماعی که به‌واسطه سیره پیامبرﷺ در میان مردم ایجاد شده است.

د) نمادها: نشانه‌ها و نمادهایی که در سیره پیامبرﷺ به کار رفته و تأثیر عمیقی بر هویت اجتماعی مسلمانان داشته‌اند.

این چهار حیطه می‌تواند به ما کمک کند تا درک بهتری از تحولات ایجادشده در دوران پیامبرﷺ و تأثیرات آن بر جامعه اسلامی داشته باشیم.

هـ) مناسک: یکی از اموری که در سیره فرهنگی پیامبر مورد بررسی قرار می‌گیرد مناسک و امور عبادی است.

۲ـ۱ـ۱. جامعه

جامعه به‌عنوان یک ساختار پیچیده از روابط اجتماعی، به مجموعه‌ای از افراد اطلاق می‌شود که در یک زمان و مکان مشخص زندگی می‌کنند و به‌واسطه ارزش‌ها، هنجارها و فرهنگ‌های مشترک، به یکدیگر وابسته‌اند. از دیدگاه امیل دورکیم،[1] جامعه، شبکه‌ای از روابط اجتماعی است که هویت فردی و جمعی را شکل می‌دهد (دورکیم، ۱۳۶۸، ص۱۲۲). علامه مصباح یزدی جامعه را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی می‌بیند که افراد در آن با یکدیگر تعامل دارند و به‌نوعی به هم وابسته‌اند. در نظر ایشان جامعه، تنها به معنای تجمع افراد نیست؛ بلکه به روابط و تعاملات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی میان آنها نیز اشاره دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۲، ص۲۱ـ۲۶).

1. David Émile Durkheim

خانواده

در بررسی تحولات فرهنگی، می‌توان گفت که خانواده به‌عنوان نخستین کانون اجتماعی، همواره در معرض تغییرات و تحولات قرار دارد. این کانون، در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تشکیل آن شامل عناصر متعددی است که توجه به موقعیت و جایگاه هریک از این عناصر می‌تواند به آرامش، موفقیت و بهروزی خانواده منجر شود.

یک خانواده، معمولاً از یک زن و مرد تشکیل می‌شود که پس از ازدواج، عنوان همسر را به یکدیگر می‌دهند. با ورود فرزندان، عناوین پدری و مادری نیز به این دو افزوده می‌شود و هریک از این عناوین، در دین مبین اسلام وظایف و کارکردهای خاصی را به همراه دارد. پیامبر اعظم ﷺ در سیره فرهنگی خود، تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا این کانون که در دوران جاهلیت دچار انحراف و حتی اضمحلال بود، به جایگاه واقعی و درست خود بازگردد.

بنابراین، در این پژوهش به بررسی گزاره‌های تاریخی ناظر به خانواده و عناصر تشکیل‌دهنده آن، شامل همسران و والدین فرزندان خواهیم پرداخت. هدف این بررسی، تحلیل نقش و اهمیت این عناصر در تقویت بنیان خانواده و تأثیر آن بر تحولات فرهنگی جامعه است.

الف) زن و مادر

زن به‌عنوان یکی از محورهای مهم خانواده، وظیفه همسری و مادری را بر عهده دارد. در عصر جاهلی، زنان از موقعیت مناسبی برخوردار نبودند و به‌عنوان کالا خرید‌وفروش می‌شدند. پس از مرگ مرد خانواده، زن در شمار اموال و میراث پسر محسوب می‌شد (کلینی، ۱۳۶۷، ج۶، ص۴۰۶؛ جواد علی، ۱۳۹۱، ج۴، ص۶۱۹؛ آلوسی، بی‌تا، ج۱، ص۳۲۴ و ج۳، ص۵۱). در این میان، مادران آزاد در نزد عرب جاهلی از جایگاه بهتری برخوردار بودند و فرزندان به این امر افتخار می‌کردند؛ درحالی‌که مادری که کنیز بود، قابل احترام و افتخار نبود. مادر در عرب جاهلی، قدرت تربیت فرزندان را به‌گونه‌ای داشت که می‌توانست آنها را شجاع یا ترسو تربیت کند (ر.ک: مشهدی علی‌پور، ۱۳۹۱، ص۹۹).

پیامبر ﷺ با عنایت به دستورات اسلامی، توجه ویژه‌ای به مقام مادر داشتند و سیره ایشان این واقعیت را تأیید می‌کند. ایشان بر احترام به مادر تأکید می‌کردند و این احترام، شامل همه

مادران، چه آزاد و چه کنیز، می‌شد. به‌عنوان‌مثال، ایشان نسبت به فاطمه بنت اسد که زمانی در خانه‌اش بزرگ شده بود، احترام قائل بودند و او را مادر خطاب می‌کردند (کلینی، کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۴۵۳، یعقوبی، بی‌تا، ج۲، ص۱۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، ج۱، ص۱۴ و اربلی، ۱۴۲۶، ج۱، ص۱۳۲).

مسئله ازدواج در عصر جاهلی نیز یکی از وجوه مرتبط با زنان بود که در جریان آن، ظلم‌های بسیاری به زنان روا داشته می‌شد و آنها از حقوق خود محروم بودند. پیامبرﷺ در سیره خود، به زنان اهمیت می‌دادند و بر اساس اوامر الهی، به حقوق شرعی آنها توجه می‌کردند. آیات مختلف قرآن نیز به این موضوع اشاره دارند و تأکید می‌کنند که حقوق زنان باید داده شود و نباید به آنها آزار و اذیت رساند.[1] پیامبرﷺ با آموزه‌های اسلام، هم به‌صورت گفتاری و هم عملی، به اعراب جاهلی یاد دادند که زن، کالا نیست و او نیز مانند دیگران ارزش انسانی دارد.

ب) مرد و پدر

در جامعه جاهلی، مردان و پدران در خانواده نسبت به زنان از جایگاه بالاتری برخوردار بودند و برخی از آنها از این موقعیت برای ظلم به خانواده استفاده می‌کردند. پیامبرﷺ باتکیه‌بر فرهنگ غنی اسلام، به این افراد هشدار می‌دادند و درعین‌حال از همسران و فرزندان می‌خواستند که در همه شرایط، به پدران احترام بگذارند، حتی اگر پدران کافر بودند. ایشان مسلمانان را از کشتن پدران مشرک یا منافق خود منع می‌کردند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲، ج۳، ص۹۴۱).

در سیره فرهنگی پیامبرﷺ، باوجود احترام و جایگاه ویژه‌ای که برای زنان قائل بودند، تأکید خاصی بر حقوق همسران داشتند. به‌عنوان‌مثال، ایشان در مورد زنی که همسرش خروج از منزل را منوط به اجازه خود می‌دانست، اجازه دیدار او با پدرش را نیز ندادند (کلینی، ۱۳۶۷، ج۵، ص۵۱۳) و خروج زن بدون اذن همسر را موجب لعن ملائک بیان کردند (کلینی، ۱۳۶۷، ج۵، ص۵۰۷ و شیخ صدوق، ۱۴۱۹، ج۳، ص۴۴۲). همچنین پیامبرﷺ بر احترام به شوهر تأکید و موضوع سجده بر همسر را مطرح می‌کردند که این موارد، به استحکام بنیان خانواده کمک می‌کرد (کلینی، ۱۳۶۷، ج۵، ص۵۰۸ و رجبیان، ۱۳۹۵، ص۸۷ـ۱۰۹).

پیامبرﷺ با آموزه‌های اسلام، نحوه احترام به پدران و همسران را که پیش از اسلام، گاه

۱. ﴿وَإِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا﴾ (نساء:۲۰).

به‌وسیله زور و برخلاف میل باطنی زنان و فرزندان بود، اصلاح کردند. این اصلاحات به‌گونه‌ای بود که نگاه به پدر برای هر مسلمان، به‌عنوان عمل عبادتی مقبول شناخته می‌شد (کلینی، ۱۳۶۷، ج۴، ص۲۰۴).

ج) فرزندان (دختر و پسر)

در میان اعراب جاهلی، دختران اهمیتی نداشتند و برخی طایفه‌ها حتی اقدام به زنده‌به‌گور کردن آنها می‌کردند (آلوسی، بی‌تا، ج۱، ص۳۲۴ و ج۳، ص۵۱ و جواد علی، ۱۳۹۱، ج۴، ص۶۱۹). این عمل در نظر خداوند متعال به‌قدری زشت بود که در آیاتی به مذمت آن پرداخت؛ مانند اینکه چگونه از شنیدن خبر دختردار شدن، رویشان سیاه می‌شد[۱] و یا اینکه به چه گناهی دختران را زنده‌به‌گور می‌کنند.[۲] پیامبرﷺ برای ریشه‌کن کردن این سنت زشت جاهلی، با قرائت آیات الهی و روایات مختلف، به فضیلت داشتن فرزند دختر تأکید کردند. ایشان احترام فوق‌العاده‌ای برای دختر خود، حضرت فاطمه زهراعليها‌السلام قائل بودند.[۳] احترام به شخصیت حضرت فاطمه‌عليها‌السلام علاوه بر مقام والای ایشان، به این دلیل است که پیامبرﷺ با تغییر این اندیشه‌های غلط، بر اهمیت و ارزش دختران در خانواده تأکید کردند. پیامبرﷺ باتوجه‌به آیه قرآن[۴] که ارزش انسان را تنها منوط به تقوای آنها می‌داند، بر این نکته تأکید کردند که دختران و پسران، هر دو نعمت‌های خداوند هستند؛ بنابراین به اصلاح نگرش‌های نادرست در جامعه پرداختند. تحولات در سیره پیامبرﷺ نشان‌دهنده تغییرات عمیق در نگرش به خانواده و نقش‌های مختلف در آن است و می‌تواند به‌عنوان الگویی مؤثر برای اصلاح و بهبود وضعیت خانواده‌ها در جوامع معاصر، مورد استفاده قرار گیرد.

پیامبرﷺ با آموزه‌های اسلام، هم به‌صورت گفتاری و هم عملی (ازجمله رفتار با همسران خود که به‌قدری به خواسته آنها احترام می‌گذارند که مورد خطاب قرآنی قرار می‌گیرند)[۵] به

۱. ﴿يَتَوَارَى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ (نحل:۵۹).

۲. ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ﴾ (تکویر:۸).

۳. از عایشه نقل شده است: هرگاه فاطمه‌عليها‌السلام نزد رسول‌اللهﷺ می‌آمد: «قام لها من مجلسه و قبل رأسها و اجلسها مجلسه، و اذا جاء اليها لقيته و قبل كل واحد منهما صاحبه و جلسا معا؛ پیغمبرﷺ از جای خود برمی‌خاست و سر فاطمه‌عليها‌السلام را می‌بوسید و به‌جای خود می‌نشاند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴۳، ص۴۰).

۴. ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات:۱۳).

۵. ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (تحریم:۱).

اعـراب جاهلـی آموختنـد که زن کالا نیسـت و او نیز مانند دیگران، ارزشـی انسـانی دارد. این دیدگاه و رفتار، تغییرات عمیقی در نگرش اجتماعی نسبت به زنان ایجاد کرد.

۲ـ۱ـ۲. دین

دین عرب جاهلی در آسـتانه ظهور اسـلام، بت‌پرسـتی بود و آنان اجسـام و اشـیایی را که به دست خود ساخته بودند می‌پرستیدند. آنها حتی بت‌های خود را در کنار کعبه که خانه خدا بـود، نصـب می‌کردند (ابن‌کلبی، ۲۰۰۰، ص۲۴ و جواد علی، ۱۳۹۱، ج۶، ص۶۶). پیامبرﷺ بت‌پرسـتی را به طور کل نفی کردند و دین توحیدی اسـلام را تبلیغ و ترویج نمودند و این تحول ایجادشـده در دین، باعث تبدیل بت‌پرستی به یکتاپرستی گردید.

۲ـ۱ـ۳. آداب و رسوم

هـر جامعـه‌ای دارای آداب و رسـومی اسـت کـه نمایانگـر چهـره آن جامعه به دیگران اسـت. جامعه جاهلیت عرب، در آداب و رسوم خود دچار خرافه‌های گوناگون بودند و گاه به کارهای دور از عقلانیـت می‌پرداختنـد. آنـان برای بارش بـاران، رفع مریضی، میزان سـنجش وفاداری همسـران خویـش و... از آداب و رسـومی تبعیـت می‌کردنـد که بهره‌ای از منطق و عقل سـلیم در آن راه نداشـت (نوری، ۱۳۵۴، ص۵۰۳). آداب و رسـوم خرافی گوناگونی بر محیط زندگی عرب جاهلی سـایه افکنده و دوران سـیاه و تاریکی را پدید آورده بود و مانع از رشـد عقل و اندیشـه آنها می‌شد. بر اساس یکی از این رسم‌ها، اعراب جاهلی هنگامی که وارد روستایی می‌شدند و از اجنّـه و طاعون می‌ترسـیدند، ده مرتبه در بیرون روسـتا صـدای الاغ درمی‌آوردند و تکه‌ای از اسـتخوان یا دندان... میان دره‌ها رها می‌کردند (یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج۱، ص۱۲۳). یکی دیگر از رفتارهـای عرب جاهلی، شـرب خمر بود که با آمدن اسـلام، به طـور تدریجی در چهار مرحله به طور کل بر مسـلمانان حرام شـد و حکم آن تغییر کرد (جواد علی، ۱۳۹۱، ج۹، ص۱۱۷). همچنین یکی از آداب و رسوم، مربوط به ازدواج بود. عرب جاهلی، انواع گوناگونی از ازدواج داشت که از ایـن میـان، فقـط برخی از آنها، مورد تأکید اسـلام قرار گرفت و بقیه ازدواج‌ها به دلیل فسـاد اخلاقی که به دنبال داشت مورد تأیید اسلام قرار نگرفت و از بین رفت (طبری، ۱۴۱۲، ج۴، ص۲۱۷ و ر.ک: مهریزی و مشهدی علی‌پور، ۱۳۹۰، ص۷۷).

۲ـ۱ـ۴. نماد و پرچم

اعـراب جاهلـی چـون قبیله‌ای زندگـی می‌کردنـد، عموماً برای دفـاع از خود و قبیلـه و دلایلی همچون آب و... با سایر قبایل به جنگ می‌پرداختند و در این جنگ‌ها از نمادها و پرچم‌های گوناگون اسـتفاده می‌کردند (جواد علی، ۱۳۹۱، ج۵، ص۴۰۲). در این میان، اشـراف و بزرگان آنها، از نمـاد و علامت‌هایی اسـتفاده می‌کردنـد که آنها را از آدم‌های عادی جدا می‌سـاخت یا مردم رفتاری را در مقابل اشراف انجام می‌دادند که در مقابل مردم عادی مرسوم نبود (همان، ص۲۰۳).

۲ـ۱ـ۵. مناسک

در ایـن مقالـه، برای مفهوم‌شناسـی تحول در سـیره فرهنگی پیامبرﷺ، در دو عبادت نماز و حج مورد بررسی قرار گرفت که در جاهلیت وجود داشت و بعد از اسلام نیز مسلمانان آن دو را به‌جـا می‌آوردنـد. در بـاب نماز، پیامبرﷺ نمـازی را که در ادیان الهی دیگر بـود پذیرفتند و فقط رکعاتی را به آن اضافه و آن را تکمیل کردند (کلینی، ۱۴۰۷، ج۳، ص۴۸۷). فریضه حج، به‌عنوان یکی از مناسک ابراهیمی دچار انحرافات مختلفی شده بود. براین‌اساس، مشرکان انواع حج انحرافـی (جواد علی، ۱۳۹۱، ج۶، ص۳۴۷ و ۳۵۷ و ابن‌کلبـی، ۲۰۰۰، ص۹) همچـون: حـج سـکوت، حج مکان‌هـای مقـدس عـرب جاهلی، حج بت‌ها، حج عریان، متصل بـودن در حج با طناب به یکدیگر و... را ابداع کرده بودند که پیامبرﷺ به دستور خدا این انحرافات ایجادشده را از بین بردند و حج ابراهیمی دوباره احیاء شد (یعقوبی، بی‌تا، ج۱، ص۲۵۵).

۲ـ۲. کدگذاری محوری

هـدف کدگـذاری محوری به‌عنـوان مرحله‌ای از فراینـد تحلیل داده‌ها، تلفیق و سـازماندهی داده‌هایی اسـت که در مرحله کدگذاری باز خرد شـده‌اند. در این مرحله، یکی از مقوله‌های کدگـذاری بـاز به‌عنوان مقوله یا پدیده اصلی انتخاب می‌شـود و در مرکـز فرایند قرار می‌گیرد. سـپس سـایر مقوله‌ها، که به‌عنوان زیرمقوله‌ها شـناخته می‌شـوند، به این مقوله اصلی مرتبط می‌گردنـد. ایـن فرایند به پژوهشـگر کمک می‌کند تـا روابط میان مقوله‌ها را شناسـایی و درک کند و ساختار منسجم‌تری از داده‌ها ایجاد نماید.

ردیف	مقوله	مفهوم	مشخصه	منبع
۱	تغییر تدریجی	شرب خمر	زوال عقل	حموی، ۱۳۸۱، ج۲، ص۸۴۳؛ جواد علی، ۱۳۹۱، ج۹، ص۱۱۷ و یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج۳، ص۱۶۲.
۲	تبدیل: رویکرد غیرمنفعلانه	پایین بودن ارزش زن در عرب جاهلی	عدم احترام در ازدواج، خریدوفروش کالایی، حجم بالای کارهای سخت، نگاه تحقیرآمیز	کلینی، ۱۳۶۷، ج۶، ص۴۰۶؛ جواد علی، ۱۳۹۱، ج۴، ص۶۱۹؛ آلوسی، بی‌تا، ج۱، ص۳۲۴ و ج۳، ص۵۱ و نحل:۵۹.
۳	اصلاح	انحراف در حج	حج عریان، حج سکوت، طواف بت‌ها و اماکن خودساخته به‌اصطلاح مقدس	جواد علی، ۱۳۹۱، ج۶، ص۳۴۷_۳۵۷ و ابن‌کلبی، ۲۰۰۰، ص۹.
۴	تأیید	قتال در ماه‌های حرام	قتل و جنگ در ماه‌های حرام در عرب جاهلی حرام بود	بقره:۱۹۴ و ۲۱۷ و مائده:۲ و ۹۷
۵	اصلاح	عدم ارتباط پدیده‌های طبیعی با مرگ و زندگی افراد	مرگ یا زندگی افراد سبب تغییر پدیده‌های طبیعی	برقی، بی‌تا، ج۲، ص۳۱۳ و یوسفی غروی، ۱۴۱۷، ج۴، ص۴۵۹.
۶	تغییر	آداب و رسوم مغایر با عقلانیت	بسیاری از آداب و رسوم جاهلی، رنگ و بوی خرافی و خلاف عقل داشت و هیچ وجهی برای آن کار متصور نمی‌شد	صدوق، ۱۴۱۹، ج۲، ص۲۸۶_۲۹۲ و نوری، ۱۳۵۴، ص۵۰۳.

ردیف	مقوله	مفهوم	مشخصه	منبع
۷	تأیید و اضمحلال	ازدواج	انواع ازدواج‌های مختلف با رویکردی که زن و خانواده در آن اهمیتی نداشت و دارای فساد اخلاقی بود نابود گردید و فقط ازدواج حنفا تأیید شد	جواد علی، ۱۳۹۱، ج۵، ص۵۳۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج۴، ص۲۱۷ و ر.ک: مهریزی و مشهدی علی‌پور، ۱۳۹۰، ص۷۷.
۸	اصلاح و تکمیل نماز		نماز، عبادتی است که در همه ادیان وجود داشته و در قرآن، از نماز انبیاء سخن آمده است که عبادتی الهی و جهانی به شمار می‌رود.	کلینی، ۱۴۰۷، ج۳، ص۴۸۷.

پیامبر اکرم ﷺ در زمینه خانواده، با تأکید بر اصل احترام به والدین، جایگاه پدر و مادر را مورد تأیید قرار دادند و به برخی اصلاحات لازم در این زمینه اقدام کردند. آن حضرت در مورد رفتار با فرزندان، به‌ویژه دختران، با جدیت تمام، موضوع زنده‌به‌گور کردن دختران را نفی و رد نمودند و تغییرات بنیادینی در نگرش به دختران ایجاد کردند. این تغییرات، به معنای احترام ویژه قائل شدن برای دختران و تغییر نگاه ارزشی پایین به آنان به یک نگاه مقدس و ارزشمند بود.

۲ـ۳. کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی، مرحله پایانی فرایند کدگذاری است که هدف آن دستیابی به یک انسجام فکری از طریق تحلیل داده‌ها و مقولات پیشین است. در این مرحله، محقق تلاش می‌کند تا با پالایش و زدایش اطلاعات، زمینه را برای تدوین نظریه فراهم آورد. این یکپارچه‌سازی، تعامل میان تحلیلگر و داده‌ها را به نمایش می‌گذارد (استراوس و دیگران، ۱۳۹۰، ص۱۶۶).

اولین گام برای تحقق این یکپارچه‌سازی، انتخاب مقوله مرکزی یا هسته اصلی است که قوام نظریه بر اساس آن بنا می‌شود و سایر مفاهیم به‌گونه‌ای به آن مرتبط می‌گردند. باتوجه‌به نکات مطرح‌شده درباره دقت در انتخاب هسته مرکزی، از میان مقولات مرحله پیشین، هسته مرکزی انتخاب می‌شود که سایر مقولات به‌نوعی با آن در ارتباط هستند.

بااین‌حال ممکن است در برخی موارد، امکان انتخاب مقوله مرکزی از میان مقولات موجود وجود نداشته باشد. در این صورت، محقق ناگزیر خواهد بود که مقوله مرکزی را از خارج از مقولات انتخاب کند؛ به‌گونه‌ای که شمول بیشتری داشته باشد. درنهایت، نظریه و الگوی استخراج‌شده از میان داده‌ها و مقولات منتخب و نحوه ارتباط و تعامل آنها شکل خواهد گرفت.

پیامبرﷺ از تغییرات جایگزینی استفاده می‌کردند؛ مانند تغییر اسامی افراد و مکان‌ها. در زمینه مناسک دینی، ایشان با تأکید بر نماز و حج، تغییرات اصلاحی و تکمیلی را به اجرا گذاشتند تا این مناسک، از انحرافات موجود پاک‌سازی شوند.

در مقوله تحول، عوامل و حوادث متعددی سبب بسترسازی برای دگرگونی از جاهلیت به اسلام شدند. یکی از این عوامل، عدم توجه عرب جاهلی به شخصیت انسانی زن و برخورد شیءگونه با او بود. همچنین، دوری از عقلانیت و افراط در خرافه‌پرستی؛ مانند انجام اقدامات غیرعقلانی برای درخواست بارش باران، از دیگر ویژگی‌های آن دوران بود.

جنگ‌های خونین چندین ساله نیز مردم را خسته کرده بود و ظهور اسلام با آموزه‌های اصیل وحیانی و عقلانی، به‌عنوان راه نجاتی برای اعراب خسته از جنگ و خونریزی مطرح شد. این امر، آغاز یک تحول بزرگ بود. علاوه بر این، ارتباط تجار عرب با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها نیز در این تحول تأثیرگذار بود.

خلق و خوی اعراب، نظام قبیلگی و حمیت و عصبیت‌های قبیله‌ای، از دیگر شرایطی بودند که به تحول فرهنگی در جامعه جاهلی کمک کردند. پیامبر اکرمﷺ باتکیه‌بر آموزه‌های الهی و باتوجه‌به شرایط مختلف، راهبردهایی را در پیش گرفتند که این راهبردها در چهارچوب‌های مشخص اما متناسب با زمان و مکان، پیامدهای مثبتی به همراه داشت. ازجمله این پیامدها، رویش مکارم اخلاق و رفتارهایی بود که با خرافات عصر جاهلی فاصله

داشت و بر اهمیت تقوا برای تمامی افراد جامعه تأکید می‌کرد.

البته این پیامدها در همه افراد جامعه به یکسان، ساری نبود و میزان تحول درونی افراد، بر اساس آموزه‌های اسلام، تفاوت داشت. به‌طورکلی، آنچه در سطح جامعه عصر نبوی مشاهده می‌شود، با عصر جاهلی و نمادهای آن، تفاوت‌های قابل‌توجهی دارد. براین‌اساس، اگر مسلمانی، حتی به اشتباه، عملی را با تفکر جاهلی انجام دهد، جامعه و خود پیامبرﷺ نسبت به آن هشدار می‌دهند.

نتیجه‌گیری

در مقوله‌بندی مفهومی تحول در سیره فرهنگی پیامبرﷺ به این نتیجه می‌رسیم که مقوله اصلی در مفهوم تحول، تغییر مثبت و حرکت به‌سوی کمال الهی است که برای تمامی افراد جامعه، اعم از زن و مرد، پدر و مادر، دختر و پسر، و کوچک و بزرگ اجرا شد. این تغییر مثبت، از راه‌های گوناگونی ایجاد گردید که به طور خلاصه بدین شرح است:

۱. تأکید بر ارزش‌های انسانی و اخلاقی: توجه و تأکید پیامبرﷺ بر اهمیت تقوا و رفتار نیکو.

۲. تغییر نگرش به زنان: ایجاد احترام و ارزش برای زنان و تغییر نگاه شیء‌واره به آنها.

۳. اصلاح رفتارهای خرافی: ردّ خرافات و رفتارهای غیرعقلانی و ترویج عقلانیت.

۴. تقویت روابط اجتماعی: ایجاد پیوندهای اجتماعی مستحکم بر اساس اصول اسلامی.

۵. آموزش و تربیت: تأکید بر علم‌آموزی و تربیت صحیح در خانواده و جامعه.

این تغییرات به‌تدریج، به تحول فرهنگی و اجتماعی عمیقی در جامعه اسلامی منجر شد که آثار آن در تاریخ و فرهنگ اسلامی مشهود است؛ ازجمله:

الف) تغییر مثبت به گونه تأیید و تکمیل گزاره

ب) تغییر مثبت به روند اصلاح پدیده

ج) تغییر مثبت به گونه تبدیل گزاره ناپسند به یک گزاره مورد پسند الهی

د) تغییر مثبت به روند منسوخ شدن گزاره به دلیل دور بودن از عقل

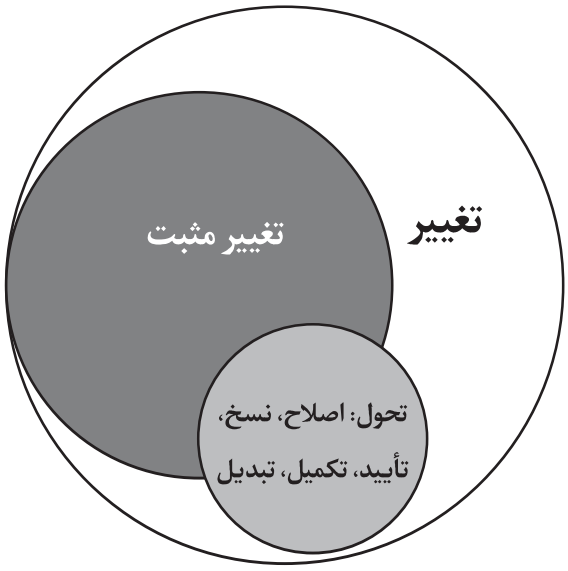
تغییر
تغییر مثبت
تحول: اصلاح، نسخ،
تأیید، تکمیل، تبدیل

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌الحدید، بی‌تا، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

۲. ابن‌عبدالبر، یوسف‌بن‌عبدالله، ۱۴۱۲ق، الاستیعاب، بیروت: بی‌نا.

۳. ابن‌کلبی، هشام‌بن‌محمد، ۲۰۰۰م، الاصنام، قاهره: دار الکتب المصریة.

۴. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت: دار الصادر.

۵. اربلی، علی بن عیسی بن ابی‌الفتح، ۱۴۲۶ق، کشف الغمة في معرفة الائمة، قم: مجمع الاهل‌البیت علیهم‌السلام.

۶. استراوس، انسلم و دیگران، ۱۳۹۰ش، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

۷. آقداغی، میثم؛ خنیفر، حسین؛ دانایی‌فرد، حسن و دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۹۷ش، «واکاوی و فهم اصول اسلامی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مبتنی بر سیره حکومتی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله»، مدیریت اسلامی، ش۱۰۲، بهار، ص۱۱۳ـ۱۵۱؛ Ministry of Science/ISC.

۸. آلوسی بغدادی، سید محمود، بی‌تا، بلوغ الارب في معرفة الاحوال العرب، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۹. برقی، احمدبن‌محمد، بی‌تا، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامیه.

۱۰. بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۸۸ش، درآمدی بر اصول تحول فرهنگی؛ با الهام از نزول تدریجی قرآن، قم: بوستان کتاب.

۱۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری؛ KHAMENEI.IR.

۱۲. توماس، هنری، ۱۳۹۰ش، بزرگان فلسفه، ترجمه: فریدون بدره‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.

۱۳. جان‌احمدی، فاطمه، ۱۳۸۵ش، «مبانی و سازوکارهای دگرگونی فرهنگی در عصر نبوی»، تاریخ اسلام، ش۲۸، زمستان، ص۲۵ـ۴۸.

۱۴. جانسون، چالمرز، ۱۳۶۳ش، تحول انقلابی، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: امیر کبیر.

۱۵. جعفری، محمدتقی، ۱۳۶۰ش، حرکت و تحول از دیدگاه قرآن، تهران: بنیاد قرآن.

۱۶. حاجی‌احمدی، محمود، ۱۳۸۵ش، «پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و تغییر ساختار فرهنگی جامعه جاهلی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش۴۴ـ۴۵، بهار و تابستان، ص۱۴۳ـ۱۶۴.

۱۷. حموی، یاقوت‌بن‌عبدالله، ۱۳۸۱ش، معجم الادباء، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات سروش.

۱۸. دورکیم، امیل، ۱۳۶۸ش، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه: علی‌محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹. ذوعلم، علی، ۱۳۸۹ش، نظریه تحول در اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۰. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد، ۱۳۷۴ش، مفردات الفاظ قرآن، تهران: نشر مرتضوی.

۲۱. رجبیان، زهره، ۱۳۹۵ش، «اعتبارسنجی روایات سزاواری سجده زن بر شوهر»، مطالعات جنسیّت و خانواده، ش۷، پاییز و زمستان، ص۸۷ـ۱۰۹.

۲۲. زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۷ش، کارنامه اسلام، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۲۳. شیخ صدوق، محمدبن‌علی، ۱۴۱۹ق، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۴. طبری، محمدبن‌جریر، ۱۴۱۲ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۲۵. جواد علی، ۱۳۹۱ق، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دار العلم للملایین.
۲۶. کلینی، محمدبن‌یعقوب، ۱۳۶۷ش، فروع کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. ـــــــــ، ۱۴۰۷ق، اصول کافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. مشهدی علی‌پور، مریم، ۱۳۹۱ش، «بررسی تطبیقی جایگاه مادر در فرهنگ جاهلی و اسلامی»، تاریخ در آینه پژوهش، ش۳۳، پاییز و زمستان، ص۹۹ـ۱۱۸.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۲ش، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم: مرکز نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰ش، سیره در سیره نبوی، تهران: انتشارات صدرا.
۳۲. مهریزی، مهدی و مشهدی علی‌پور، مریم، ۱۳۹۰ش، «تحلیلی نو بر ازدواج و طلاق در جاهلیت»، سخن تاریخ، ش۱۵، زمستان، ص۷۷ـ۱۰۲.
۳۳. نوری، یحیی، ۱۳۵۴ش، جاهلیت و اسلام، تهران: مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی.
۳۴. یعقوبی، احمدبن‌اسحاق، بی‌تا، تاریخ الیعقوبي، بیروت: دار صادر.
۳۵. یوسفی غروی، محمدهادی، ۱۴۱۷ق، موسوعه التاریخ الاسلامی، ترجمه: حسینعلی عربی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی﵀.